

# تحلیل جامعه‌شناختی نهضت پانزده خرداد

فصلنامه مطالعات تاریخی

انسانی و مطالعات فرهنگی

مع علوم انسانی

مجله علمی-تخصصی  
پژوهش‌های تاریخی و اجتماعی  
شماره ۱۰، زمستان ۱۳۹۸  
صفحه ۱۰۰-۱۱۵

۱۰۰

۱۱۵

# تحلیل جامعه‌شناختی نهضت پانزده خرداد (با تأکید بر بسترهای اجتماعی نهضت)

● دکتر داوود میرمحمدی\*

## چکیده

«جنبش» اجتماعی و سیاسی، کوشش و رفتار جمعی نسبتاً منظم، سازمان‌یافته و بادوامی است که مبتنی بر اندیشه و برنامه قبلی و تعریف شده بوده و به شیوه انقلابی یا اصلاحی برای رسیدن به هدف اجتماعی-سیاسی و یا پیشبرد آن هدف و یا مقاومت در برابر دگرگونی در یک جامعه صورت می‌گیرد. در همین راستا «جنبش» یا «نهضت» با ماهیت «اسلامی» عبارت از تلاش و کوشش جمعی و نسبتاً منظم برای پیشبرد اهداف اسلامیکه طی آن اسلام‌گرایان برای تحقق عملی قوانین و احکام اسلامی در تمامی زمینه‌ها از طریق در اختیار گرفتن زمینه‌ها و بسترهای اجتماعی وقوع این نهضت ارابه نماید. در این معنا واقعه پانزده خرداد را می‌توان نهضت و یا جنبش با ماهیت اسلامی و رویکرد سیاسی و اجتماعی دانست که واجد تمام خصوصیات و ویژگی‌های یک جنبش می‌باشد. این مقاله بررسی و پاسخگویی به «علل و زمینه‌های اجتماعی» وقوع نهضت پانزده خرداد را به عنوان پرسش اساسی دستمایه مطالعه خود قرار داده و بدنبال آن است تا با بهره‌گیری از روش «اسنادی - تاریخی» و با مراجعه به متون و منابع دست اول موجود از منظر «جامعه‌شناختی تاریخی و سیاسی» تحلیلی ارابه نماید. تسلط دول اروپایی به ویژه انگلیس و بعد از آن آمریکا بر ایران، با دو نوع مقاومت در ایران روبرو شد؛ یکی مقاومت با محتوای ملی‌گرایانه که توسط روشنفکران و تحت تأثیر تفکر و جریان مدرنیسم غرب و آموزه‌های ملی انجام گرفت و دیگری مقاومت با ماهیت دین‌گرایانه که ریشه در تمدن و فرهنگ بومی ایران داشت و بن‌مایه‌های اصلی آن را آموزه‌های دینی و مذهب

تشیع و فرهنگ بومی تشکیل می‌داد. نهضت پانزده خرداد در زمره نوع دوم محسوب می‌شود که دارای جوهره دینی و اسلامی بوده، ایدئولوژی آن نیز، همانند انقلاب اسلامی، گفتمان سیاسی شیعه است که به عنوان گفتمان غالب در انقلاب اسلامی چهره نمود و بر بسترهای سیاسی، فرهنگی و اجتماعی شکل گرفت و خود در یک فرایند دیالکتیک علت و زمینه‌ساز تحولات ساختاری بعدی در ایران از جمله پیروزی انقلاب اسلامی گردید. جنگ جهانی اول و فروپاشی سلسله قاجار، اشغال نظامی ایران، بروز قحطی، گرسنگی، بیماری و مرگ و میر در طول سال‌های ۱۲۹۶ تا ۱۳۴۲ ه‍.ش و در نتیجه سقوط و فروپاشی اقتصادی و اجتماعی ایران، تجاوز به مال و ناموس مردم در طول سال‌های اشغال، شکل‌گیری و ظهور دولت مدرن در ایران و سیاست‌های غرب‌گرایانه و نهادسازی‌های جدیدی که نه تنها سنخیتی با گفتمان دینی و اسلامی نداشتند، بلکه در تعارض با این گفتمان قرار می‌گرفت مانند تصویب و اجرای قانون انجمن‌های ایالتی و ولایتی و کاپیتولاسیون و تجربه تلخی که در اذهان مردم ناشی از حضور مستشاران آمریکا در ایران بر جای گذاشت، سیاست‌های فرهنگی و اجتماعی که پیامد آنها تقابل گفتمان اسلامی و غربی، بهم خوردن بافت دینی، سنتی و ساختار جمعیتی کشور و بحران هویت جمعی در ایران گردید و شکل‌گیری اقتصاد تک‌پایه‌ای و متکی بر نفت و وابستگی اقتصادی به بیگانگان و بروز شکاف طبقاتی، بخشی از علل و زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی محسوب می‌شوند که بسترساز وقوع نهضت پانزده خرداد به حساب می‌آیند. ما در این مقاله به صورت مختار فقط به زمینه‌های اجتماعی وقوع نهضت پانزده خرداد می‌پردازیم و بررسی در مورد سایر علل و زمینه‌ها را به دیگر پژوهشگران علاقه‌مند می‌سپاریم.

#### ۱- مقدمه

«۱۵ خرداد برای اسلام بود و به اسم اسلام بود و به مبدأیت اسلام و راهنمایی روحانیت و همین جمعیت‌ها که الآن اینجا هستند... همین طبقه از افراد اسلامی بودند که برای اسلام قیام کردند و هیچ نظری جز اسلام نداشتند، پانزده خرداد را به وجود آوردند.» (بخش‌هایی از فرمایشات حضرت امام خمینی در خرداد ۱۳۵۸)

پانزده خرداد در تاریخ تحولات دوران معاصر ایران یک نقطه عزیمت محسوب می‌شود که بازخوانی آن لاجرم منشأ کشف حقایق و خلق گفتمان‌های جدید در حوزه اندیشه‌های اجتماعی و تحولات سیاسی و اجتماعی ایران معاصر خواهد شد. شیوه بازخوانی این رخداد بزرگ برای فهم حقایق نهفته در آن اهمیت ویژه‌ای دارد. تحلیل‌گران وابسته به جریان‌های فکری مختلف از چپ و راست از زوایای متعددی این رخداد را بازخوانی نموده‌اند. در این بازخوانی‌ها، عده‌ای آن را یک حرکت قشری، برخی دیگر آن را یک حرکت کم عمق اجتماعی، گروهی آن را یک «شورش کور» و بی‌هدف و اندیشمندان و فعالان اسلامی پانزده خرداد را نقطه عطف تاریخ معاصر ایران دانسته‌اند.

آیا نهضت پانزده خرداد واجد شرایط یک نهضت و جنبش اجتماعی با محتوای دینی و اسلامی می‌باشد؟ آیا در زمره جنبش‌های هدفمند، اصیل و هویت‌مند با وجه دینی و اسلامی قرار می‌گیرد؟ و یا این که باید آن را در سطح حرکتی غیراصیل، فاقد جوهره توده‌ای و طراحی شده به دست گروه‌های ذی‌نفع مانند فئودال‌ها و زمین‌داران بزرگ و یا جریان‌های چپ مارکسیستی علیه حکومت پهلوی دانست؟ زمینه‌های اجتماعی نهضت پانزده خرداد کدامند؟ این مقاله برای پاسخ به این پرسش‌ها از دستگاه نظری تبیین‌کننده جنبش‌های اجتماعی سود برده و بر نظام آگزیوماتیزه زیر استوار است:

### الف. آگزیوم

هر حرکت انقلابی و جنبش اجتماعی - اسلامی مستلزم وجود چندین عامل و زمینه شامل: «نارضایتی سیاسی و اجتماعی»، «برخورداری از آرمان و اندیشه» (ایدئولوژی)، «رهبری»، «هدف»، «سازماندهی» و «پشتوانه مردمی با روحیه انقلابی» می‌باشد.

### ب. تئورم

۱- نهضت پانزده خرداد واجد همه ویژگی‌های یک جنبش دینی - اجتماعی بوده و شرایط لازم را در خود به همراه دارد.

۲- تسلط نسبتاً طولانی استعمارگران اروپایی به ویژه انگلیس و بعد از آن آمریکا بر ایران، واکنش‌های متعددی را علیه آنان برانگیخت که دو نوع واکنش‌ها واجد اهمیت خاص است؛ یکی واکنش با محتوای ملی‌گرایانه که توسط روشنفکران و تحت تأثیر تفکر و جریان مدرنیسم غرب و آموزه‌های ملی انجام گرفت و دیگری واکنش با ماهیت دین‌باور که ریشه در تمدن و فرهنگ بومی ایران داشت و بن‌مایه‌های اصلی آن را آموزه‌های دینی و مذهب تشیع و فرهنگ بومی تشکیل می‌داد.

۳- نهضت پانزده خرداد از نوع دوم محسوب می‌شود که دارای جوهره دینی و اسلامی بوده و ایدئولوژی آن گفتمان سیاسی شیعه محسوب می‌شد؛ رهبری و هدایت آن را امام خمینی (ره) بر عهده داشت و به پشتوانه مردم آن را پیگیری و پایه‌گذاری نمود؛ هدف اعلامی و اعمالی آن تحقق احکام دینی و الهی تعریف و تبیین گردید؛ و بحران‌ها و نارضایتی‌های اجتماعی سیاسی، فرهنگی و اجتماعی دهه چهل بسترها و مهمترین علل بروز آن هستند که خود در یک فرایند دیالکتیک علت و زمینه‌ساز تحولات ساختاری بعدی در ایران از جمله پیروزی انقلاب اسلامی گردید.

## ۲- مفهوم شناسی جنبش اجتماعی

جنبش اجتماعی (social movement) یکی از انواع رفتارهای اجتماعی است که از روابط متقابل میان افراد در درون یک جامعه ناشی می‌شود. رفتار جمعی (collective behavior) پاسخ عده‌ای از مردم نسبت به یک وضعیت یا مسئله خاص است. جنبش اجتماعی، رفتاری اجتماعی است که در حد وسط میان بوروکراتیک و رفتار انقلابی قرار دارد؛ با این ویژگی که از اولی کمتر و از دومی بیشتر سازمان‌دهی شده است و مردم از طریق آن در پی هدف یا اهدافی هستند.<sup>۱</sup> بیشتر پژوهش‌گرانی که جنبش‌های اجتماعی را بررسی کرده‌اند این جنبش‌ها را گروه‌های عمل هماهنگ و سازمان‌یافته که دارای ارزش‌های مشترک بوده و هدفشان ایجاد دگرگونی یا مقاومت در برابر دگرگونی در نهادهای اجتماعی یا در نظم اجتماعی است تعریف کرده‌اند.<sup>۲</sup> اگر به پیروی از تعریف واژگان آکسفورد از جنبش اجتماعی، در وهله نخست آن را جریان یا کنش‌ها و تلاش‌هایی از سوی مجموعه‌ای از افراد تعریف کنیم که به شکلی کم و بیش پیوسته به سمت هدف خاصی حرکت می‌کنند یا به آن گرایش دارند، آن را رفتاری اجتماعی می‌بینیم که مانند سایر رفتارها و کنش‌های اجتماعی می‌تواند موضوع مطالعات جامعه‌شناختی قرار گیرد. از این منظر جنبش‌های اجتماعی از جهت گستره عمل، دوام و قوام، مشروعیت و مقبولیت، قدرت و اقتدار، راهبردی نظری و عملی، شیوه فعالیت، هدف، آمال و آرمان‌ها اشکال گوناگون پیدا می‌کنند. چون جنبش‌های اجتماعی عموماً و جنبش‌های اجتماعی ایرانی به ویژه پدیده‌هایی پیچیده و چند لایه هستند، تبیین و تحلیل آن مستلزم بررسی سطوح مختلف آن می‌باشد. به اعتقاد آنتونی گیدنز جنبش اجتماعی را می‌توان کوشش جمعی برای پیشبرد منافع مشترک از طریق عمل اجتماعی خارج از حوزه نهادهای رسمی تعریف کرد.<sup>۳</sup>

از زاویه دیگر جنبش‌های اجتماعی را: ۱- شبکه اجتماعی؛ ۲- مبتنی بر اعتقادات مشترک؛ ۳- که از طریق استفاده از اشکال گوناگون اعتراض؛ ۴- حول موضوعات منازعه‌آمیز بسیج می‌شوند؛<sup>۴</sup> می‌توان تعریف کرد. اسملسر شش شرط را در مورد منشأ عمل جمعی به طور کلی، و جنبش‌های اجتماعی به طور اخص تشخیص می‌دهد که عبارتند از:

۱- زمینه ساختاری؛ یعنی شرایط کلی اجتماعی که مشوق یا مانع تشکیل انواع مختلف جنبش‌های اجتماعی است.

۲- فشار ساختاری؛ یعنی تنش‌ها یا تضادهایی که باعث ایجاد نارضایتی در درون جامعه می‌گردد. این گونه فشارها در شکل نگرانی‌ها درباره آینده، اضطراب‌ها، ابهامات و یا برخورد مستقیم هدف‌ها ابراز می‌شوند.

۳- ایدئولوژی؛ یعنی گسترش باورهای تعمیم یافته که اساساً تحت تأثیر ایدئولوژی‌های معینی شکل می‌گیرند و موجب می‌شوند نارضایتی‌ها تبلور یافته و راههای عملی رفع آنها را نیز نشان می‌دهند.

۴- عوامل شتاب‌دهنده؛ یعنی حوادث یا رویدادهایی که در واقع موجب می‌شود کسانی که در جنبش شرکت می‌کنند مستقیماً وارد عمل شوند. این گونه رویدادها به ظهور جنبش‌ها نمی‌انجامد مگر اینکه یک گروه هماهنگ که برای عمل بسیج شده است وجود داشته باشد.

۵- رهبری؛ برای اینکه جنبشی اجتماعی وجود داشته باشد رهبری و نوعی وسایل ارتباط منظم بین شرکت‌کنندگان، همراه با پشتوانه‌ای از منابع (معنوی) و مادی ضروری است.

۶- عملکرد کنترل اجتماعی؛ چگونگی پیدایش و توسعه جنبش اجتماعی به شدت از عملکرد کنترل اجتماعی تأثیر می‌پذیرد. مقامات ممکن است با مداخله و تعدیل زمینه ساختاری و فشار که انگیزه ظهور جنبش را ایجاد کرده است به جنبش پاسخ دهند.

مدل اسملسر از این جهت برای تحلیل جنبش‌های اجتماعی و عمل جمعی به طور کلی سودمند است که اولاً مراحل متوالی پیدایش و توسعه جنبش را بیان می‌کند و ثانیاً به کمک آن می‌توان هر یک از مراحل متوالی جنبش را به عنوان ارزش افزون شونده به نتیجه کلی درک نمود. زیرا به نظر اسملسر هر مرحله از جنبش اجتماعی شرط وقوع مراحل بعدی است.<sup>۵</sup>

در ادبیات سیاسی اجتماعی مفاهیم دیگری وجود دارد که به نوعی با جنبش اجتماعی پیوند محتوایی دارند و هر یک به تنهایی از صورتهای کنش اجتماعی محسوب می‌شوند، اما نسبت به جنبش‌های اجتماعی جنبه عام‌تر یا خاص‌تری دارند. رفتار جمعی (collective behavior)، کنش یا اقدام اجتماعی (Collective action)، اعتراض اجتماعی (social protest)، تعارض یا تضاد اجتماعی (social conflict)، مبارزه اجتماعی (social struggle)، اقدام مستقیم (direct action) و خشونت اجتماعی (social violence) از این زمره‌اند.<sup>۶</sup>

اگر از منظر جامعه‌شناختی دورکیمی به موضوع بنگریم تعریف مفهومی هر پدیده یا امر اجتماعی می‌تواند متناسب با نقطه عزیمت رویکرد نظری و پارادایمی که در چارچوب آن به بررسی موضوع پرداخته می‌شود، متفاوت باشد. در مورد پدیده جنبش اجتماعی نیز چنین تفاوتی قابل مشاهده است. زیرا مدل‌ول و مضمون مورد اشاره در مفهوم جنبش اجتماعی، دایره وسیعی از پویایی‌های اجتماعی را در بر می‌گیرد.

به همین قیاس بسته به این که پانزده خرداد را از منظر جنبش اجتماعی با ماهیت اسلامی بنگریم و یا این که برای آن محتوا و مضمون دیگری قابل شویم، تحلیل‌ها متفاوت خواهد

بود.

در جامعه‌شناسی کلاسیک، «جنبش‌های اجتماعی» در مقابل «کودتا» و «انقلاب» قرار می‌گیرند. در حالی که کودتا پدیده‌ای ناگهانی است و یک شبه اتفاق می‌افتد و تنها موجب تغییر در نخبگان سیاسی حاکم می‌شود، جنبش‌ها در روندی درازمدت و با برنامه، زمینه تغییر گسترده در حوزه سیاسی و اجتماعی را فراهم می‌آورند. یک جنبش اجتماعی دارای ویژگی‌های زیر است:

۱- جنبش اجتماعی آن دسته از حرکت‌های جمعی است که حول یک نارضایتی جدی و عمومی شکل می‌گیرد. در جامعه‌شناسی، این نارضایتی ممکن است به علل مختلفی مانند احساس تبعیض یا محرومیت نسبی، فساد، تحقیر، استبداد و شکاف اجتماعی - اقتصادی مرتبط گردد.

۲- برای تحقق یک جنبش، نارضایتی به تنهایی کافی نیست. یکی دیگر از ویژگی‌های مهم در ایجاد جنبش، وجود «گفتمان» است. باید روی این نارضایتی بحث و نسبت به تبعیض علت‌یابی شود، وضعیت مطلوب و چگونگی رسیدن به آن نیز مورد بررسی قرار گیرد. در این معنا وجود گفتمان حول محور نارضایتی، نقش محوری در ایجاد جنبش اجتماعی را ایفا می‌کند.

۱۲۰

۳- سازماندهی، انسجام و رهبری: بدون سازمان‌یافتگی، انسجام و رهبری جنبش اجتماعی قابل تصور نیست. گاه ممکن است در جامعه‌ای نارضایتی سیاسی و اجتماعی وجود داشته و آن نارضایتی نیز تئوریزه و در مورد آن گفتمان تولید شده باشد، لکن به دلیل عدم سازماندهی، انسجام و رهبری، جنبشی به وقوع نپیوندد، بنابراین هدایت و سازماندهی ناراضیان در تکوین هر جنبش اجتماعی حائز اهمیت ویژه است.

۴- وجود فضای عمل سیاسی: یک جنبش اجتماعی نیازمند فضای سیاسی برای عمل می‌باشد. تا وقتی سرکوب وجود داشته باشد و حکومت‌ها اجازه فعالیت به جنبش‌ها ندهند، جنبش‌ها توان و امکان ظهور و بروز ندارند.

۵- مشارکت و حضور مردم: جنبش اجتماعی غیر از رهبری؛ هسته پیش‌برنده و بسیج‌کننده؛ ناراضیان معترض؛ و گفتمان و سازماندهی، نیازمند حضور و مشارکت مردمی است.

### ۳- چهارچوب نظری (رویکردها و دیدگاهها)

در این مقاله، تلاش شده است برخی از برجسته‌ترین نظریه‌های جنبش اجتماعی ارایه گردند. معیار تفکیک این دیدگاهها، تفاوت و تشابه در توجه به فضای عمل و ماهیت جنبش است. در ادامه به تشریح هر کدام از این نظریه‌ها پرداخته می‌شود:

### الف. رویکرد رفتار جمعی (کلاسیک)

نظریه رویکرد رفتار جمعی به نظریه‌هایی اطلاق می‌شوند که جنبش اجتماعی را به مثابه رفتاری احساسی و ناشی از فشارهای محیطی بررسی می‌کنند. مجموعه نظریه‌های روانشناختی، نظریه‌های رفتار گرایانه، و نظریه‌های جامعه توده‌ای در این دسته جای می‌گیرند. این نظریه‌ها، در واقع، پدیده‌های جمعی را به رفتارهای فردی فرومی‌کاهند و جنبش‌های اجتماعی را تجلی احساس محرومیتی می‌دانند که افراد با احساسات پرخاشگرانه از خود بروز می‌دهند.

به بیان دیگر، بر اساس تحلیل‌های این مجموعه از نظریه‌ها، جنبش‌های اجتماعی زمانی پدید می‌آیند که یک احساس نارضایتی فراگیر شود و نهادهایی که از انعطاف‌پذیری کافی برخوردار نیستند نتوانند به این احساس فراگیر پاسخ گویند.

فصل مشترک تمام این نظریه‌ها، توجه به سطح خرد تحلیل، ویژگی‌های احساسی (غیر عقلانی) کنش، و تلقی از جامعه به عنوان مجموعه‌ای از افراد می‌باشد. توجه به رفتار و کنش، تأکید بر خصوصیات فردی (مانند هویت متمیزه) و نقش هنجارها و ارزشهای فردی، احساس بیگانگی و اضطراب ناشی از ذره‌ای شدن اجتماعی و سرخوردگی و محرومیت نسبی، مفاهیم کلیدی مورد توجه این نظریه‌ها هستند.

### ب. رویکرد نهادی

آن دسته از نظریه‌هایی که تحت عنوان «بسیج منابع»، «ساخت فرصت‌های سیاسی» و «دوره‌های اعتراض» مطرح می‌شوند در رویکرد نهادی قرار می‌گیرند. از نگاه این نظریه‌ها، جنبش‌های اجتماعی، بسط اشکال متعارف عمل سیاسی هستند. فرض بر این است که از آنجایی که بازیگران به شیوه‌ای عقلانی در عمل سیاسی وارد شده و منافع خود را دنبال می‌کنند؛ و نیز سازمان‌های جنبش، نقشی اساسی در بسیج منابع لازم برای عمل جمعی ایفا می‌کنند؛ بنابراین جنبش‌ها بخشی از فرایند سیاسی عادی محسوب می‌شوند. نظریه‌های مربوط به رویکرد نهادی، فعالیت‌های جنبش‌های اجتماعی را سازمان یافته و شرکت‌کنندگان در این جنبش‌ها را کنشگران عاقل می‌دانند.

### ج. رویکرد جامعه مدنی

رویکرد جامعه مدنی ریشه در اندیشه‌های نومارکسیستی داشته و بر بُعد انقلابی جنبش‌های اجتماعی تأکید دارد. نظریه‌های مبتنی بر این رویکرد بر خلاف نظریه‌های کلاسیک و نهادی،



هدف جنبش اجتماعی را نه تأثیرگذاری بر فرایند سیاسی، بلکه تغییر مرزهای نظام اجتماعی و دگرگونی آنها می‌دانند. در رویکرد جامعه مدنی تأکید بر عقلانیت جوهری یا ارتباطی است و بر همین اساس ایدئولوژی، هویت جمعی، روابط و سازماندهی و هر آنچه از دید رویکرد نهادی جنبه ابزاری دارد، از دید رویکرد جامعه مدنی، به هدف تبدیل می‌شود. مسئله محوری که در این رویکرد مورد توجه قرار می‌گیرد، ریشه‌یابی علل ساختاری و شکاف‌های اجتماعی است که جنبش‌های اجتماعی بر مبنای آنها شکل می‌گیرند.

در مجموع، نظریه‌هایی که ذیل رویکرد جامعه مدنی طبقه‌بندی می‌شوند، بر خصوصیت «اجتماعی» جنبش‌های اجتماعی تأکید دارند و ماهیت اصلی جنبش‌ها را در فضایی متفاوت از فعالیت‌های سیاسی ارزیابی می‌کنند. به بیان دیگر، در این رویکرد هدف جنبش‌های اجتماعی تغییر قدرت سیاسی نیست، بلکه تغییر روابط اجتماعی و تغییر جامعه مدنی است. تغییراتی که ماورای حوزه قدرت سیاسی می‌باشند.

بر این اساس می‌توان اینگونه توضیح داد که جنبش‌های اجتماعی از منظر زیست جهان استفاده می‌کنند، نه منظر سیستم یا جامعه سیاسی. نظریه‌پردازانی مانند هابرماس و آلن تورن (۱۹۲۹) در این زمره قرار دارند.

۱۲۲

آلن تورن جامعه‌شناس برجسته فرانسوی، جنبش‌های اجتماعی را مخالفان حاشیه‌ای نظم موجود نمی‌داند، بلکه نیروهای محوری می‌داند که برای کنترل تولید جامعه و کنترل اقدام طبقات برای شکل‌دهی به تاریخیت (Historicity) با یکدیگر در حال مبارزه‌اند.<sup>۷</sup> نظریه تورن به طور ویژه بر روی مفهوم کنش و تاریخمندی متمرکز شده است. نقطه آغاز نظریه او کنش جمعی است. تورن اصول سه‌گانه‌ای را برای موجودیت جنبش اجتماعی پی‌ریزی کرده است که عبارتند از:

الف. اصل هویت: یک جنبش اجتماعی باید واجد هویتی مشخص باشد. بدین معنی که توضیح دهد از چه افرادی تشکیل شده، سخنگوی چه افراد و گروه‌هایی است و حافظ چه منافع است.

ب. اصل مخالفت: جنبش اجتماعی همیشه در برابر نوعی مانع یا نیروی مقاوم قرار دارد. بدون اصل مخالفت (ضدیت) جنبش اجتماعی نمی‌تواند وجود داشته باشد. اکثر جنبش‌های اجتماعی همیشه با وضع موجود مخالفند و اهداف خود را با وضع موجود در تعارض می‌بینند.

ج. اصل عمومیت: یک جنبش اجتماعی به نام ارزش‌های برتر، ایده‌های بزرگ فلسفی و مذهبی آغاز می‌گردد و کنش آن ملهم از تفکر و عقیده‌ای است که تا حد امکان سعی در

گسترش دارد. دلایلی که باعث ظهور یک جنبش اجتماعی می‌شود ممکن است به صورت منافع ملی، آزادی، بشریت، رفاه و خوشبختی جمعی، حقوق انسانی، سلامت همگانی، احکام الهی و... باشد. این اصول برای شناخت ذات و جهت‌گیری یک جنبش اجتماعی با تغییر در اصل عمومیت آن همراه است.<sup>۸</sup>

#### د. نظریه اقدام جمعی (collective action theory)

پایه‌گذار این نظریه «تد رابرت گر» است. وی در کتاب *چرا انسانها شورش می‌کنند* این نظریه را مطرح نموده است. اساس نظریه تد رابرت گر بر محرومیت نسبی استوار است. به نظر او محرومیت نسبی زمانی بوجود می‌آید که میان انتظارات افراد و توان آنها برای برآوردن این انتظارات تناسب وجود نداشته باشد. یعنی زمانی که افراد برای برآوردن انتظارات خود دارای توان کافی نباشند احساس محرومیت نسبی می‌کنند. این محرومیت نسبی باعث احساس سرخوردگی و توسل به خشونت می‌شود و اقدام سیاسی و شرکت افراد در اقدامات جمعی و خشونت‌بار را بدنبال می‌آورد. البته مسأله‌آميز یا خشونت‌آميز بودن اقدام جمعی بستگی به عوامل متعدد دیگر دارد. نارضایتی افراد از نظام اجتماعی و سیاسی بخاطر عدم نفوذ اجتماعی آنها و محرومیت اقتصادی آنها است.<sup>۹</sup>

#### ه. نظریه انتخاب حسابگرانه (rational choice theory)

نظریه انتخاب حسابگرانه معتقد است انقلاب‌ها و دیگر انواع اقدام جمعی و حضور مردم در جنبش‌های اجتماعی بخاطر احساس روانی محرومیت نسبی یا نگرانی برای اهداف اجتماعی صورت نمی‌گیرد؛ بلکه سبب عمده شرکت افراد در اقدامات جمعی و جنبش‌های اجتماعی و فعالیت‌های سیاسی انگیزه‌های سودجویانه است. منکور اولسون واضح نظریه انتخاب حسابگرانه معتقد است افراد در اقدامات جمعی گسترده شرکت نمی‌کنند، مگر اینکه سود این مشارکت بیش از زیان آن باشد. بنابراین منافع شخصی انگیزه اصلی مشارکت افراد در احزاب و جنبش‌های اجتماعی و انقلابی است. موارد نقض این نظریه زمانی است که زور و سرکوب و قید و بندهای خارجی در کار باشد.

یکی از انتقادات اساسی به این نظریه این است که این تئوری مسئله ماجراجویی افراد و یا سود جمعی را تبیین نمی‌کند. زیرا اهداف بیشتر جنبش‌های اجتماعی، انقلابی و دینی و حتی جنبش‌های جدید نظیر جنبش‌های زنان و محیط زیست خیر جمعی است تا سود شخصی. مطالعات نشان می‌دهد که اهداف ایدئولوژی جمعی بر محاسبات متکی بر منافع و

سود شخصی برتری دارد.

### و. نظریه تجدید حیات اسلامی

یکی از نظریه‌پردازان در این رابطه، خورشید احمد، از رهبران جماعت اسلامی در پاکستان است. وی در مقاله‌ای جنبش‌های اسلامی قرن بیست را به نفوذ استعمار در جهان اسلام ربط می‌دهد. به گفته وی سلطه استعمار تاکنون تأثیر عمده بر جوامع اسلامی داشته است: الف: غیرمذهبی شدن جامعه در اثر سلطه استعمار و سست شدن پایه‌های معنوی جوامع اسلامی.

ب: وابستگی جوامع اسلامی به غرب: در جوامع اسلامی تحت استعمار، همه نهادهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جدید براساس تجربه غرب خلق شدند که با نهادهای سنتی در تضاد قرار دارند.

ج: قطب‌بندی کردن آموزش: بر اساس نفوذ استعمار دو نوع آموزش در جوامع اسلامی ایجاد شد. یک نوع آموزش ملهم از غرب که در برابر آموزش سنتی و مذهبی بوجود آمد و به تبع آن جوامع اسلامی به دو گروه نخبگان مدرن تحصیل کرده جدید و رهبری سنتی قدیم تقسیم شد.

د: بحران رهبری در برخی کشورها؛ رهبری سنتی در برخی کشورهای اسلامی بطور سیستماتیک ضعیف شده و از بین رفت و نوعی رهبری سیاسی خارجی به جامعه اسلامی تحمیل گردید. این رهبری، طرفدار غرب و از مردم خود بیگانه بود.

به نظر شیخ احمد، جوامع اسلامی هر یک در برابر نفوذ استعمار و سلطه آن و عقب‌ماندگی و انحطاط جامعه عکس‌العمل نشان داده و برای خروج از این بحران و حل این مشکلات خود چندین استراتژی پی‌گیری نمودند:

۱. استراتژی مدرنیسم: طرفداران این استراتژی مدعی بودند که زمانه عوض شده است و باید ارزشهای تکنولوژی و نهادهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی قدرت سلطه‌گر را اقتباس کرد و جامعه را به پیشرفت رساند.

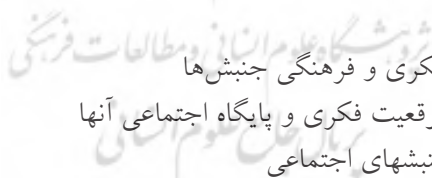
۲. استراتژی اسلامی: به نظر عده زیادی از مردم سبب خرابی اوضاع مسلمین دوری جستن از اسلام است. در این رابطه دو گروه ظهور کردند. گروه نخست دارای یک موضع سنتی بودند و معتقد بودند که سنن اسلامی را باید حفظ کرد و تغییری در آن ایجاد نکرد. آنها هیچ‌گونه بدعت و تغییری را نمی‌پذیرفتند و مخالف هرگونه پیروی از ارزشهای غربی بودند. گروه دوم معتقد بودند که حفظ سنت‌های گذشته کافی نیست و پاسخی به تهدیدهای

موجود نمی‌دهد. باید ابتدا ماهیت تمدن غرب را درک کرد و بجای آن جایگزین ارائه داد. پاسخ به تمدن غرب باید جامع و مثبت باشد. پس از شناخت تمدن غرب، اسلام را به عنوان اساس تمدن و فرهنگ جدید ارائه کرد. بدین منظور لازم است به پیام اولیه اسلام رجوع کرده و ارتباط آن با عصر کنونی را پیدا کنیم.

جنبش‌های اسلامی جدید ناشی از این گروه است. بنابراین جنبش‌های اسلامی یک عکس‌العمل صرف در برابر حکومت استعماری نیست، بلکه باید آنرا در چارچوب آمال مثبت امت اسلامی برای بدست آوردن چیزی دانست که سلطه غرب آنرا از بین برد.<sup>۱۰</sup>

### ز. نظریه آرمان‌خواهی

بر اساس این نظریه، آرمان‌خواهی و عقیده‌طلبی نیز یکی از علل و عوامل جنبش‌های اجتماعی و قیام و انقلاب محسوب می‌شوند که برخلاف نظریه‌های مادی انقلاب، ریشه جنبش‌ها و تحولات اجتماعی را به خواسته‌های معنوی انسان نسبت می‌دهد.<sup>۱۱</sup> در مجموع با توجه به اینکه رویکردهای نظری و اندیشه‌ای که جنبش‌های اجتماعی را تحلیل و بررسی می‌کنند جریان‌های فکری یکپارچه‌ای نیستند و دیدگاه همگونی ندارند، این امکان وجود دارد که هر رویکردی عامل خاصی را مبنای فهم جنبش‌های اجتماعی قرار دهد؛ اما آن چه که در همه این رویکردها مشترک است توجه به زمینه‌های شناخت جنبش است. از منظر امام خمینی (ره) برای شناخت و تحلیل ریشه‌ها و علل ظهور جنبش‌های اجتماعی و فهم آنها از جمله فهم جنبش ۱۵ خرداد زمینه‌ها و مؤلفه‌های زیر را باید درک نمود:



۱. خاستگاه و بسترهای فکری و فرهنگی جنبش‌ها

۲. پایه‌گذاران جنبش و موقعیت فکری و پایگاه اجتماعی آنها

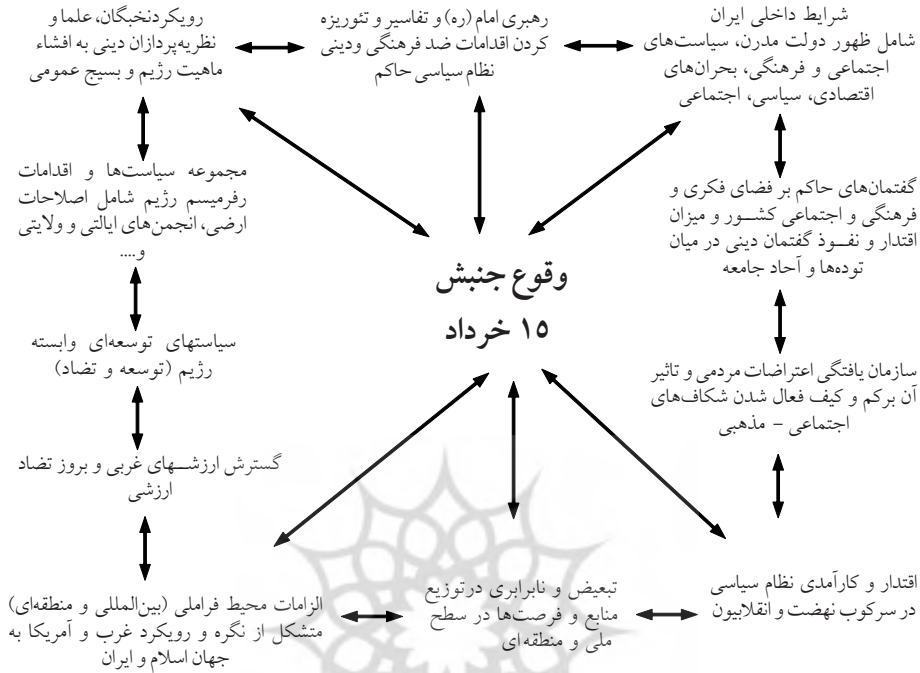
۳. اهداف و آرمان‌های جنبش‌های اجتماعی

۴. ادامه‌دهندگان جنبش

۵. مخالفان جنبش<sup>۱۲</sup>

### مدل نظری و شماتیک تحلیل

مجموعه متغیرها (علل و زمینه‌ها)ی تأثیرگذار بر روند تحولات سیاسی و اجتماعی در تاریخ معاصر ایران که منجر به وقوع جنبش پانزده خرداد گردید را در قالب مدل شماتیک زیر می‌توان نشان داد:



#### ۴- تجزیه و تحلیل علل و بسترهای اجتماعی جنبش پانزده خرداد

اکنون پس از بررسی و نقد ادبیات سیاسی - اجتماعی و نظریه‌های مختلف و پایه‌گذاری چهارچوب نظری، به تجزیه و تحلیل جنبش پانزده خرداد و بسترها و علل اجتماعی آن می‌پردازیم. نخست بحث را از بررسی گفتمان‌های جریان‌های سیاسی ایران در دهه ۱۳۴۰ هجری شمسی آغاز می‌کنیم.

#### الف. گفتمان‌شناسی جریان‌های سیاسی اجتماعی ایران در دهه ۴۰ ه ش

در آغاز دهه چهل، سه گفتمان مسلط در جامعه و سیاست ایران وجود داشت: گفتمان شاهنشاهی (گفتمان حاکم)، گفتمان ملی‌گرایی (جبهه ملی و سیاستمداران مستقل) و گفتمان مارکسیستی (حزب توده). در کنار این سه گفتمان، گفتمان دینی و اسلامی حضور داشت که علما و روحانیون آن را نمایندگی می‌نمودند. نقد و بررسی این گفتمان‌ها از این حیث که کمک بزرگی به تبیین و فهم علل و زمینه‌های اجتماعی نهضت ۱۵ خرداد می‌نماید، واجد اهمیت ویژه است.

گفتمان شاهنشاهی به عنوان گفتمان حاکم: برخی نویسندگان و محققان، ویژگی‌های متعددی را برای گفتمان شاهنشاهی برشمرده‌اند. یکی از این موارد در کتاب «راه دراز گذار» آمده است. مؤلف این کتاب با استناد به سرمقاله‌های روزنامه‌های دوران حکومت محمدرضا پهلوی، معتقد است که این گفتمان در پی القای مشروعیت رژیم سلطنتی موروثی است و منبع این مشروعیت را اقتدار کاریزمایی و پاتریمونالیستی سنتی معرفی می‌کند. در این گفتمان، حکومت پادشاهی بهترین نوع حکومت معرفی و رژیم پادشاهی همزاد با تقوی، عدالت، جوانمردی، کاردانی، دانش و بینش و آبادانی سرزمین دانسته شده است. در این گفتمان همه ارزش‌های مثبت از قبیل عدالت، محبت، دادگری و... به پادشاه نسبت داده می‌شود. پادشاه به منزله پدر خانواده بزرگ ملت و مالک و فرمانروای مردم است و مخالفت با او مخالفت با خداوند و ذات هستی است. در این گفتمان، دین و دولت همبستگی دارند و اساساً پادشاهان اسباب رونق دین بوده‌اند و پادشاهی با عدل و داد و قانون آمیخته است.

گفتمان مارکسیستی از سوی حزب توده نمایندگی می‌شد که علاوه بر بی‌توجهی به اعتقادات مردم، وابستگی آن به بیگانگان برای همه آشکار بود.

گفتمان ملی‌گرایی و جبهه ملی از آن حیث که مبانی معرفتی آن عمدتاً بر محور ملیت‌گرایی، مدرنیته و روشنفکری قرار داشته، با مبانی گفتمان اول مشابهت فراوان داشت. به همین دلیل برای نظام شاهنشاهی، گفتمان ملی‌گرایی و گفتمان مارکسیستی به دلیل عدم برخورداری از پایگاه مردمی قوی و نیرومند و نیز توافق قدرت‌های بیگانه مانند آمریکا، انگلیس و شوروی در حمایت از محمدرضا پهلوی، هیچ خطری برای نظام سلطنتی به حساب نمی‌آمد. همچنین گفتمان ملیت‌گرا و گفتمان مارکسیستی، وجه مشترکی داشتند که هر دوی آنها را تحت عنوان گفتمان روشنفکری و توسعه قرار می‌دهد که نسبت به نهضت مردمی ۱۵ خرداد موضعی مخالف داشتند؛ و به قول مرحوم جلال آل احمد در برابر خونی که در ۱۵ خرداد ریخته شد دست‌های خود را با بی‌اعتنایی شستند.

گفتمان انقلابی - اسلامی؛ تا قبل از ۱۵ خرداد برخورداری از حمایت قدرت‌های خارجی در مبارزات گروه‌های سیاسی تقریباً به عنوان یک اصل پذیرفته شده بود. نیروهای مبارز چپ و ملی‌گرا و غیره باور نمی‌کردند که بدون حمایت یک قدرت جهانی بتوان در ایران مبارزه‌ای را پیش برد<sup>۱۳</sup> از آغاز نهضت روحانیت در سال ۴۰ شبکه گسترده روحانیت انقلابی و پیرو امام با تلاش‌های گسترده و غالباً خودجوش، توانست منطق و انگیزه مبارزاتی امام خمینی (ره) را به اقشار مختلف مردم مؤمن و متدین انتقال دهد و نگرش و کنش انقلابی ستیز با رژیم دیکتاتور فاسد و وابسته پهلوی را در جامعه ایجاد کند. سال ۱۳۴۱، آغاز نهضت امام خمینی و بروز گفتمان اسلامی است. هر چند فقها، فلاسفه و علمای شیعه در گذشته نیز به مباحث مربوط به روابط مردم و حکومت توجه داشتند، اما

رویکرد آنان به نقش مردم در حکومت، با اندیشه‌ها و نظریات جدید تفاوت داشت. بدین معنا که علمای شیعه در گذشته بیشتر دغدغه آن را داشتند که از حقوق مردم تحت حاکمیت یک حکومت غیردینی دفاع کنند. ظلم نکردن حکومت به مردم، حفظ مال، جان و آبروی مردم و برخورد عادلانه حاکمان با مردم، بیشترین نکات مورد تأکید در نظریات علمای شیعه در گذشته بود. اما در نظریه و گفتمان امام، علاوه بر همه اینها حفظ استقلال، عزت، سربلندی، آزادگی ملت ایران در برابر بیگانگان و اجانب و نظام فاسد پهلوی و قایل شدن نقش ویژه برای مردم در حکومت و ورود مردم به عرصه «تأسیس و تشکیل نظام سیاسی» نیز مطرح بود. در واقع گفتمان دینی از اعتراض حضرت امام به تصویب‌نامه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، در دوران نخست‌وزیری اسدالله علم شروع می‌شود. از این تاریخ به بعد، امام خمینی فعالیت‌های بسیاری در جهت مقابله با نظام شاهنشاهی انجام داده است که شامل سخنرانی‌ها، پیام‌ها، نامه‌ها و بیانات متعددی است که در نتیجه آنها گفتمانی تازه و جریان مردمی نیرومندی علیه نظام شاهنشاهی شکل گرفت و موجب واکنش‌های مختلفی از سوی نظام حاکم شد؛ مانند لغو لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی؛ رفراندوم شش بهمن؛ دستگیری امام و بسیاری از یاران ایشان؛ سرکوب شدید قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲؛ طرح موضوع کاپیتولاسیون؛ و سرانجام تبعید امام از کشور. امام خمینی از سنگر نفوذناپذیر و مستحکم مرجعیت با اتکا به مکتب اسلام، گفتمان مبارزه با وابستگی و استبداد را طراحی و ارائه نمود.<sup>۱۴</sup>

### ب. زمینه‌ها و خاستگاه‌های فکری و اجتماعی بروز و ظهور جنبش پانزده خرداد

در حقیقت فهم خاستگاه جنبش ۱۵ خرداد در سال ۱۳۴۲ به طور جدی به فهم تحولات تاریخ معاصر و ظهور پدیده دولت مدرن و سکولاریسم وابسته است. برای درک و فهم تحولات این دوره و پی بردن به اهمیت تصمیمات و سیاست‌های دولت مدرن، باید آن را از چند زاویه مورد بررسی قرار داد.

پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ حکومت استبدادی شاه، رفته‌رفته تحکیم و تثبیت شد. کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ هـ ش در زمان ریاست جمهوری «آیزنهاور» و با نقشه «کیم روزولت» با حمایت آمریکا در ایران به وقوع پیوست. محمدرضا پهلوی طی این کودتا توانست موقعیت خود را تثبیت نماید و قدرت سیاسی مجدداً به وی برگردد. «کرومیت روزولت» مشهور به «کیم»، عضو سیا و کارشناس امور خاورمیانه آمریکا، در مصاحبه‌ای مدعی شد کودتای ایران نخستین عملیات مخفی علیه یک دولت خارجی بود که بوسیله سازمان مرکزی جاسوسی آمریکا (سیا) تنظیم گردید.<sup>۱۵</sup> این وقایع باعث شد مجدداً فضای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی خفقان‌آور در ایران حکم‌فرما شود. برغم این فضای خفقان‌آور، هم‌زمان با تحولاتی که در صحنه سیاست بین‌الملل

رخ داد، رژیم شاه ناچار به تغییر صوری در رویه و سیاست‌های خود شد. شاه برای تظاهر به دموکراسی، نظام فرمایشی دو حزب دولتی «موافق» و «مخالف» یعنی حزب «ملیون» به رهبری منوچهر اقبال و حزب «مردم» به رهبری اسدالله علم را راه‌اندازی نمود.<sup>۱۶</sup>

با پیروزی جان. اف. کندی، نامزد حزب دموکرات در انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده آمریکا، سیاست‌های داخلی و خارجی آن کشور، در آستانه دگرگونی قرار گرفت. کندی، در پی آن بود که برای جلوگیری از قیام‌های مردمی در کشورهای جهان سوم که احتمال سرنگونی رژیم‌های وابسته به بلوک غرب، بویژه آمریکا را به دنبال داشت، رهبران این کشورها را به اجرای برنامه‌های اصلاحی خود، تشویق و ترغیب نماید. دکترین «انقلاب از بالا»ی روستو، کندی، شالوده این اصلاحات را تشکیل می‌داد. در ایران این اصلاحات در قالب «اصلاحات ارضی»، «لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی» و «انقلاب سفید» اجرا شد. مجموعه این اقدامات سیاست‌هایی بود که برای جلوگیری از توسعه نفوذ کمونیسم طراحی شده بود. این «اصلاحات» چون با شرایط داخلی ایران سازگاری نداشت، موج بی‌ثباتی، ناآرامی و اعتراض مردم مسلمان ایران به رهبری نیروهای مذهبی که در رأس آن‌ها امام خمینی (ره) قرار داشت را برانگیخت.<sup>۱۷</sup>

### ج. علل اجتماعی وقوع جنبش پانزده خرداد

تخریب مبانی دینی و فرهنگی، بسته بودن فضای اجتماعی و فرهنگی جامعه و عدم امکان فعالیت‌های سیاسی در کشور و فقر اقتصادی از مهمترین علل وقوع جنبش پانزده خرداد محسوب می‌شوند. اینک هر یک از این علل را بیشتر مورد کاوش قرار می‌دهیم.

#### بسته بودن فضای اجتماعی و فرهنگی جامعه

تاریخ سال‌های قبل و مقارن با وقوع قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ ه.ش، بخوبی نشان از فقدان بسترهای مناسب برای فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی در ایران دارد. یکی از مهمترین شاخص‌ها برای سنجش میزان فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی در هر جامعه و دوره‌ای، میزان انتشار مطبوعات، کتاب و فعالیت‌های مرتبط به طبع و نشر است. پس از شهریور ۱۳۲۰ و برچیده شدن بساط دیکتاتوری رضاشاه پهلوی، زمینه برای فعالیت احزاب و انتشار روزنامه و کتاب بدون سانسور تا حدود زیادی در ایران فراهم شد. در این دوره شمار روزنامه و نشریه‌های منتشر شده در ایران فزونی گرفت. این روند آزادی فعالیت سیاسی و انتشار روزنامه و نشریه در ایران تا قبل از کودتای ۲۸ مرداد با افت و خیز ادامه داشت. به طوری که در زمان دولت مصدق، فقط هفتاد روزنامه و نشریه مخالف دولت منتشر می‌شد. آمار انتشار کتاب‌ها هم چشمگیر بود.<sup>۱۸</sup>



بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ هـ.ش انتشار اکثر روزنامه‌ها و نشریه‌ها ممنوع شد و روزنامه‌ها و نشریه‌های منتشره تحت سانسور بسیار شدید قرار گرفت. در سال‌های بعد تمام کتب و روزنامه‌ها توسط ساواک کنترل می‌شد و مطبوعات مطالبی را که برای رژیم ناخوشایند بود، منتشر نمی‌کردند. سانسور تا بدانجا پیش رفته بود که گاه جلوی انتشار کتبی که بارها چاپ شده بود، گرفته می‌شد. درست به همین علت بود که با شروع درگیری روحانیون با دولت در اوایل دهه ۱۳۴۰، مطبوعات دولتی و غیردولتی، از گزارش و انعکاس کامل حوادث این درگیری اجتناب می‌کردند.

### گسترش بی‌بندوباری در پوشش اعطای حق رأی به زنان

اعطای حق رأی به زنان، یکی از سیاست‌های رژیم و بخش‌هایی از تصویب‌نامه «لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی» بود که از نظر طرفداران سلطنت اهمیت بسیار داشت و اشرف پهلوی آن را مهم‌ترین تحول تاریخی برای زنان می‌خواند.<sup>۱۹</sup> بدیهی بود ورود بانوان به صحنه‌های اجتماعی، در حالی که زنان نیز همانند مردان از ابتدایی‌ترین حقوق انسانی محروم بودند، ماهیتی جز فریب آن‌ها نداشت. در کشوری که انتخابات آزاد وجود نداشت و فهرست کاندیداها به وسیله دولت و ساواک تعیین می‌شد، رأی دادن یا راه یافتن زنان به مجلس از کمترین اهمیتی برخوردار نبود. امام خمینی (ره) ضمن مخالفت با این طرح چنین اعلام نمود: ما با ترقی زن‌ها مخالف نیستیم، ما با این فحشا مخالفیم، با این کارهای غلط مخالفیم، مگر مردها در این مملکت آزادی دارند که زن‌ها داشته باشند؟ مگر آزادی مرد و آزادی زن با لفظ درست می‌شود.<sup>۲۰</sup> ما می‌گوییم زن‌ها را به اسم آزادی و ترقی به فساد نکشید و منحرف نسازید. شما حساب کنید در این بیست و چند سالی که از این کشف حجاب مفتضح می‌گذرد چه چیزی عاید زن‌ها شده، چه چیزی عاید مردها شده و چه چیزی عاید این مملکت گردیده است.<sup>۲۱</sup>

### د. تخریب مبانی اجتماعی، فرهنگی و دینی

یکی دیگر از اقدامات رژیم که بسترساز پانزده خرداد شد، حمله رژیم به مبانی ارزشی جامعه و بی‌توجهی به آنها بود.

رضاشاه پس از تحکیم پایه‌های قدرت خود، مبارزه با مذهب و شعائر آن را جزء اصول رسمی حکومت قرار داد. با روی کار آمدن فرزندش محمدرضا پهلوی، سیاست‌های فرهنگی گذشته با رنگ و لعاب دیگری تداوم یافت. وی نیز مانند پدرش با سیاست‌های مختلف در پی تغییر فرهنگ دینی مردم ایران بود و آداب و بدعت‌هایی ناسازگار با اعتقادات اسلامی را به جامعه تحمیل کرد. برخی از این اقدامات مخرب فرهنگی که در دوره پهلوی انجام گرفت، عبارتند از:

۱. باستان‌گرایی و تأکید بر تاریخ ایران پیش از اسلام.
  ۲. تأکید بر ناسیونالیسم ایرانی در راستای وفاداری به سلطنت خاندان پهلوی بر اساس شعار «خدا، شاه و میهن»
  ۳. رویارویی با فرهنگ و باورهای توده مردم از طریق تأسیس سازمان‌های فراماسونری و کلوپ‌های روتاری که توسط گراتس مأمور سازمان سیا در ایران صورت گرفت. استحاله فرهنگی محور اصلی مأموریت این سازمان بود.
  ۴. گسترش بی بندوباری در جامعه و ترویج مراکز ابتدال
  ۵. اسلام ستیزی در مراکز آموزشی
  ۶. ترویج و تعمیق آداب و عادات فرهنگی غرب
  ۷. حمایت از گسترش و نفوذ عقاید فرق مشکوک و باطل به ویژه بهائیت در ایران
  ۸. تضعیف و تحقیر روحانیت، علما و حوزه‌های علمیه
  ۹. سخت‌گیری در مورد گرایش جوانان تحصیلکرده به مذهب
- در مجموع در دوران حکومت پهلوی، مقدسات اسلام همواره هتک گردید، حرمت اسلام فراموش شد، علمای اسلام زندانی، تبعید و یا شهید شدند، مجالس سوگواری برای خامس آل عبا ممنوع، مدارس اسلامی بسته شد، چادر از سر زنان مسلمان برداشته شد و با ارزشهای دینی و جلوه‌ها و مظاهر آن مبارزه شد.

#### ه. تهاجم به ارزش‌های اسلامی از طریق تصویب لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی

مهم‌ترین اقدام عملی در راستای برنامه‌های اصلاحی رژیم، تصویب لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی بود که به طور غیرقانونی در هیأت دولت به تصویب رسید. مفاد این تصویب‌نامه واکنش تند نیروهای مذهبی به رهبری امام خمینی را برانگیخت. این مصوبه چند موضوع اساسی را دربر می‌گرفت: نخست، حذف اعتقاد به دین اسلام از شرایط نمایندگی؛ دوم، سوگند به «کتاب آسمانی» به جای قرآن مجید در مراسم تحلیف؛ و سوم، اعطای حق انتخاب شدن و انتخاب کردن به زنان. بندهای اول و دوم در راستای حذف تدریجی اسلام به عنوان دین رسمی کشور و بند سوم سوءاستفاده از نام و حقوق زنان بود. این لایحه، نقطه آغاز برنامه‌های تهاجمی به ارزش‌های اسلامی و قوانین شرعی ارزیابی گردید و امام خمینی آن را مقدمه از رسمیت انداختن اسلام و قرآن دانستند.<sup>۲۱</sup> تصویب لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، در ۱۶ مهر ۱۳۴۱ در کابینه اسدالله علم، عامل اصلی برانگیختن احساسات دینی مردم بود. هدف از تصویب این لایحه تشکیل انجمن‌هایی در روستاها و شهرها و استان‌ها بر پایه آرای عمومی جهت اداره غیرمتمرکز امور اعلام شده بود.

اما، همان‌گونه که بیان شد، سه شرط جدید مندرج در این لایحه یعنی حذف قید اسلام از شرایط انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان، انجام مراسم تحلیف با هر کتاب آسمانی به جای قرآن و حق رأی زنان مخالفت‌های شدید مراجع و علما را در پی داشت. مراجع این لایحه را، که در آن «قرآن کریم را در عرض اوستای زرتشت و انجیل و بعض کتب ضاله»<sup>۲۳</sup> قرار داده بودند، رویارویی علنی و جسورانه نظام حاکم با اسلام و قانون اساسی و عامل جدی تهدید استقلال مملکت و قرار دادن آن «در معرض قبضه صهیونیستها»<sup>۲۴</sup> می‌دیدند و به آگاه ساختن مردم از محتوای لایحه و مخالفت با آن پرداختند.

به دعوت امام خمینی (ره) و چند تن از علما و مراجع حوزه علمیه قم، جلسه‌ای برای بررسی این موضوع در منزل مرحوم آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری، مؤسس حوزه علمیه، تشکیل شد و در آن جلسه و جلسات بعدی تصمیم گرفتند که مخالفت با این لایحه با ارسال تلگرام به شاه اعلام شود. متعاقب این جلسات بیش از پنجاه اعلامیه و تلگرام و نامه از سوی مراجع و علمای بلاد در مخالفت با لایحه مذکور صادر شد. در غالب این اعلامیه‌ها برای ردّ این لایحه دلایلی چون مخالفت آن با شرع و قانون اساسی، سوءاستفاده دشمنان دین و استقلال کشور، تقلید از بیگانگان و پیامدهای سوء اجتماعی حاصل از کشاندن نسون به محافل سیاسی ذکر شده بود.<sup>۲۵</sup> سرانجام، رژیم پس از دو ماه مقاومت در برابر خواست مردم و علما، موقتاً در آذر ۱۳۴۱ عقب‌نشینی و لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی را لغو کرد.

### و. اصلاحات ارضی

بیش از چهل روز از لغو لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی نگذشته بود که شاه در ۱۹ دی در اولین کنگره شرکت‌های تعاونی روستایی ایران، در واکنش به اعتراضات و مخالفت‌های علما، موضوع اصلاحات زیربنایی را پیش کشید و تلویحاً علما را مخالف آن خواند. طرح این اصلاحات به سال‌های آخر دهه ۱۳۳۰ بازمی‌گشت. پس از برچیده شدن فضای باز سیاسی که منجر به برکناری امینی و انتصاب اسدالله علم به نخست‌وزیری شد، علم به منظور استحکام پایه‌های استبداد شاه، راهبرد سیاسی خود را بر پایه سه هدف استوار ساخت:

۱. برگزاری انتخابات مجلس بیست و یکم که در دوره امینی تعطیل شده بود.

۲. حفظ و گسترش محدودیت‌های سیاسی.

۳. اجرای اصلاحاتی که شاه متعهد به انجام آنها شده بود.

وی ابتدا اصلاحات ارضی را تعدیل ساخت تا طبقه محافظه‌کار را نسبت به برنامه دولت خود مطمئن سازد.<sup>۲۶</sup> انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۹۶۰ میلادی در آمریکا که به روی کار آمدن

دمکرات‌ها به رهبری کندی منجر شد، با تغییراتی در سیاست خارجی آن کشور همراه شد. کندی بر خلاف پیشینیانش معتقد به سیاست انعطاف‌پذیرتر در رویارویی با بحران‌ها به ویژه در کشورهای جهان سوم بود. او معتقد به پیمان‌های اقتصادی به جای نظامی، فعال‌سازی قوای امنیتی و اطلاعاتی به جای استفاده از ارتش و تقویت برنامه‌های فرهنگی از قبیل سپاه صلح، ترویج انتخابات کنترل شده و دمکراسی‌های هدایت شده و... بود. روی کار آوردن دولتهای غیرنظامی دست‌نشانده از جمله ابزارهای دولت کندی برای رسیدن به این هدف بود. در بعد اقتصادی نیز ایجاد طبقه متوسط، به راه انداختن صنایع وابسته و مونتاژ و گسترش اقتصاد مصرفی از برنامه‌های اصلی بود. لازمه رونق اقتصاد سرمایه‌داری، داشتن بازار مصرف گسترده و قدرت خرید بیشتر مردم است و برای رسیدن به اهداف اقتصادی می‌بایست ساختار سیاسی - اجتماعی مناسبی فراهم شود. در این میان در ایران که شاه - پس از کودتای ۲۸ مرداد - خود را مدیون آمریکا می‌دانست برای ادامه سلطنت، علیرغم میل باطنی خود از سیاست‌های جدید کندی راه‌گیزی نداشت. محصول این سیاست روی کار آوردن دولت شریف امامی و طرح شعارهای آزادی احزاب و فضای باز سیاسی و اصلاحات اداری بود.<sup>۲۷</sup> به عقیده آمریکا، ایران در صورت عدم اجرای اصلاحات، در معرض یک انقلاب شبیه کوبا قرار می‌گرفت. آثار وقوع چنین انقلابی برای آمریکا، با توجه به موقعیت حساس هم‌مرزی و هم‌جواری متجددش ایران با کمونیست بزرگ در اتحاد جماهیر شوروی سابق، بسیار گسترده و ناگوار بود. شرکت آمریکا در کودتایی که به سرنگونی دولت مصدق منجر شد، به زعم آمریکا برای تثبیت اوضاع بی‌ثباتی بود که می‌توانست موجب روی کار آمدن کمونیست‌ها و یا عناصر ضدغربی دیگر شود. به همین دلیل، با سقوط دولت مصدق، شاه به تحکیم قدرت و تثبیت اوضاع کشور مبادرت کرد. او در این جهت، به لغو کلیه آزادی‌های طرح شده در قانون اساسی و سرکوبی نیروهای مخالف پرداخت. در همین سال‌ها اقتصاد ایران دچار رکود شد و بودجه دولت کسری پیدا کرد و فساد مالی در ادارات گسترش یافت.<sup>۲۸</sup> این وضعیت در سال‌های بعد از کودتای ۲۸ مرداد، به ویژه در سال‌های منتهی به دهه ۴۰ ممکن بود باعث انقلاب ضدغربی شود. بر این اساس، در سال‌های پایان دهه ۳۰ آمریکاییان معتقد شدند که کمک به توانایی نظامی رژیم شاه، نمی‌تواند ایران را از خطر یک انقلاب نجات دهد. به عقیده آنان آنچه ایران را باثبات می‌کند و از خطر انقلاب رها می‌سازد، انجام اصلاحات است. سازمان «سیا» و «شورای امنیت ملی آمریکا» لزوم چنین تغییراتی را تأکید می‌کردند. سازمان سیا در ۱۳۳۷ اعلام کرد که اگر برنامه اصلاحات در ایران اجرا نشود، سقوط شاه طی دو سال آینده حتمی است. در پی آن، شورای امنیت ملی آمریکا خواهان تغییرات عمده در سیاست آمریکا نسبت به شاه شد و توصیه کرد که اگر شاه شخصاً دست به اصلاحات نزند، باید تحت فشار قرار گیرد. به همین جهت، دولت کندی شاه را برای اجرای برنامه اصلاحاتی که در سال ۱۳۳۷ به تصویب دولت

ایران رسیده بود، تحت فشار قرار داد و پرداخت وام ۳۵ میلیون دلاری آمریکا به ایران را به اجرای اصلاحات مشروط کرد. حتی شاه را برای انتصاب علی امینی که از نظر آمریکا بهترین فرد برای اجرای اصلاحات بود، تحت فشار قرار داد.

در راستای عملی ساختن این برنامه شریف امامی از نخست‌وزیری برکنار و علی امینی با برخورداری از حمایت سفیر آمریکا جولیوس هملس به عنوان نخست‌وزیر بر محمدرضا شاه تحمیل گردید.

دکتر امینی کابینه خود را معرفی کرد و مجلسین سنا و شورای ملی را که جناح انگلیسی و مالکان در آن دارای قدرت بودند، منحل نمود و قانون اصلاحات ارضی را در تاریخ سه شنبه ۱۹ دیماه ۱۳۴۰ به تصویب رساند.<sup>۲۹</sup> وی برای اجرای اصلاحات دست به اقداماتی زد. انحلال مجلس، اخراج عده‌ای از سران ارتش به جرم فساد و تبعید برخی دیگر، برکناری تعدادی از طرفداران سیاست‌های انگلیس در ایران، دعوت از برخی افراد ملی برای عضویت در کابینه دولت، آغاز مذاکره با سران جبهه ملی به منظور تشکیل دولت ائتلافی، جلب موافقت آمریکا به پرداخت وام ۳۵ میلیون دلاری به ایران و... از جمله این اقدامات و شرایط لازم برای انجام اصلاحات بود.<sup>۳۰</sup> لایحه اصلاحات ارضی در ۲۰ دی ۱۳۴۰ تصویب و با مقاومت‌ها و اعتراض‌هایی از جانب برخی گروه‌ها مواجه شد و علی‌رغم تبلیغات گسترده نظام حاکم و شخص شاه در ارائه تصویری عدالت‌جویانه از این اصلاحات<sup>۳۱</sup> و تلاش برای جلب نظر علما و مراجع تقلید<sup>۳۲</sup> آنان از موافقت با این طرح خودداری کردند.<sup>۳۳</sup> و از لحاظ موازین شرعی آن را نادرست خواندند. وجود شواهد متعدد بر اغراض سیاسی نیز عامل مؤثری در مواجهه علما و برخی صاحب‌نظران و مردم با این اقدامات بود. پیش از آن نیز نمایندگانی از سوی شاه نزد مرجع تقلید وقت، آیت‌الله حاج آقا حسین بروجردی رفته و قصد دربار را برای اقدام به اصلاحات ارضی به اطلاع ایشان رسانده بودند؛ اما پاسخ صریح ایشان مبنی بر تقدم اصلاحات اساسی در حکومت بر اصلاحات ارضی موجب مسکوت ماندن طرح شده بود.<sup>۳۴</sup> بعد از درگذشت آیت‌الله بروجردی، شاه اجرای این برنامه را آغاز کرد. لایحه اصلاحات ارضی در دی‌ماه ۱۳۴۰ در کابینه علی امینی و در پی انحلال مجلسین به تصویب رسید.

شاه پس از آنکه امینی بر او تحمیل شد، تلاش‌هایی را برای جلب آمریکا به منظور کنار گذاشتن امینی آغاز کرد. نقطه اوج این تلاش‌ها در سفر چهارم شاه به آمریکا بود. طی این سفر، شاه با قبول تمام پیشنهادهای کیندی برای اجرای اصلاحات، رضایت آمریکا را برای عزل امینی از سمت نخست‌وزیری جلب کرد. بدین ترتیب شاه توانست در تیرماه ۱۳۴۱، پس از بازگشت از آمریکا تحت عنوان اختلاف بر سر بودجه نظامی، امینی را برکنار و مهره مورد اعتماد خود، یعنی امیر اسدالله علم، را به جای وی بنشانند.<sup>۳۵</sup>

شاه پس از عزل امینی، اصلاحات خود را که اصلاحات ارضی و اعطای حقوق سیاسی به زنان در رأس آن قرار داشت، به عنوان «رفرم از بالا» و به نام انقلاب سفید اعلام کرد. ملی کردن جنگلها و مراتع، تبدیل کارخانه‌های دولتی به شرکت‌های سهامی و فروش سهام آنان برای تضمین مالی اصلاحات ارضی، سهام کردن کارگران در سود کارخانه‌ها و ایجاد سپاه دانش برای اجرای طرح سوادآموزی، از دیگر اصول ششگانه اصلاحات شاه بود که در زمستان ۱۳۴۱ به رفراندم گذاشته شد. امام خمینی (ره)، در اعلامیه‌ها و نامه‌های متعدد، نگرانی خود را از این امر اعلام و از آن به «انقلاب سیاه» تعبیر<sup>۳۶</sup> و تأکید کرد که دشمنان اسلام می‌خواهند از راهی دیگر اغراض لایحه لغو شده انجمن‌های ایالتی و ولایتی را اجرا کنند و آن را مقدمه‌ای برای از بین بردن مواد مربوط به مذهب در قانون اساسی خوانند که چون دولت متوجه شده که نمی‌شود با قوای مردم مقاومت کرد به رفراندم و اجباری روی آورده است.<sup>۳۷</sup>

#### ز. فقر و نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی

در آستانه قیام ۱۵ خرداد اقتصاد ایران در وضعیت بسیار نابسامان قرار داشت. دو برنامه هفت ساله که عمدتاً با هدایت آمریکایی‌ها و متخصصان ایرانی مورد حمایت و طرفداری آمریکا در ایران طراحی و اجرا شده بود، موجب بهبود وضع اقتصادی کشور نشده بود. برنامه اول با نظارت مشاورین آمریکایی تا سال ۱۳۳۴ به طول انجامید و منجر به تقویت مبانی اقتصادی، اداری، سیاسی و نظامی رژیم شد. امریکاییها برنامه هفت ساله اصلاحات دوره اول را حتی قبل از ملی کردن صنعت نفت در ایران شروع کردند، این برنامه دوره زمانی ۱۳۳۴-۱۳۲۷ را دربرمی‌گرفت. در واقع کودتای ۲۸ مرداد راه تداوم این برنامه را هموار کرد. برنامه دوم نیز طی سال‌های ۱۳۴۱-۱۳۳۴ با همکاری گروه مشاوران هاروارد آمریکا تدوین و در ۱۸ اسفندماه ۱۳۳۴ به تصویب مجلس شورای ملی رسید. هدف این برنامه تقویت مبانی قدرت اجتماعی رژیم و حرکت به سمت سرمایه‌داری، افزایش صادرات، افزایش تولید، پیشرفت صنایع و کشاورزی، اصلاح امور بهداشتی، توسعه وسایل ارتباط جمعی و ترقی وضعیت معیشت مردم بود که از راه دریافت وام‌های کلان از مؤسسه‌های خارجی بویژه مؤسسه‌های آمریکایی صورت گرفت. از آن جا که بهره‌بردار اصلی از این برنامه‌ها و سرمایه‌ها، قشر دلال و بوروکرات و وابستگان به دربار بودند، بحران اقتصادی در شکل جدیدی روی داد که نتیجه آن نه افزایش صادرات که واردات بی‌رویه از خارج بود. این شروع بحران اقتصادی جدید، با بهره‌مندی عده خاصی از مناسبات نادرست اقتصادی و سیاسی، به رشد توانمندی اقتصادی آنها انجامید. این افراد در جستجوی مطالبات جدید اقتصادی و اجتماعی جهت توسعه فعالیت‌های خود بودند.

واردات ایران در سال ۱۳۳۲ از توازن برخوردار بود، اما بتدریج میزان واردات بر صادرات پیشی گرفت. ادامه رو به رشد این روند، به افزایش ۶ برابری حجم کالاهای وارداتی بر اقلام صادراتی در سال ۱۳۴۱ منجر گردید. افزایش واردات کشور را در اواخر دهه ۳۰ و اوایل دهه ۱۳۴۰ در بحران اقتصادی جدیدی گرفتار ساخت.<sup>۳۸</sup> افزایش تولید ناخالص ملی از ۸ درصد در سال ۱۳۴۰ به ۱۴/۲ درصد در سالهای بعد، با صرف نظر از جنبه اغراق آمیز آن، وام دار افزایش درآمدهای ناشی از تولید زیاد نفت و افزایش قیمت آن بود. بر این اساس، سهم واقعی تولید ناخالص ملی بدون نفت، همواره، بویژه در سالهای بین ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۲ روندی نزولی داشت. درآمد سرانه خانواده‌های ایرانی نیز، به نحو چشمگیری در سالهای منتهی به سال ۱۳۴۲ کاهش یافت. روزنامه دولتی اطلاعات در یکی از مقالات خود در سال ۱۳۴۲ نوشت که مطالعه بانک ملی ایران در سال جاری نشان می‌دهد ۶۰ درصد خانواده‌های شهرنشین، درآمد فردیشان کمتر از ۱۰۰ تومان در ماه است. هر فرد روستایی در یک ماه بین ۱ تا ۵۰ تومان درآمد دارد. همچنین تحقیقات مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در سال ۱۳۴۲ نشان می‌دهد ۸۲ درصد خانواده‌های شاغل ایرانی نیز از درآمد ماهیانه‌ای کمتر از ۲۵۰ تومان بهره‌مند بودند ولی ۳ درصد جمعیت ایران، ۵۴ درصد درآمد ملی را در اختیار داشتند، در حالی که این وضع در سالهای قبل از کودتا وجود نداشته است.<sup>۳۹</sup>

با وجود این که دولت‌های پس از کودتا تا سال ۱۳۴۰ از کمک بیش از یک میلیاردی آمریکا استفاده نمودند، نتوانستند آن را در جهت افزایش صادرات و بهبود واقعی وضع اقتصادی مردم به کار گیرند. طبق نظرسنجی‌ای که از سوی تعدادی از پژوهشگران آلمانی در ایران در سال ۱۳۴۲ انجام شد، ۸۵ درصد پاسخگویان اظهار داشته‌اند کمک‌های آمریکا به ایران منجر به بهبود بیشتر وضع ثروتمندان ایران و نه همه ایرانیان شده است و فقط ۸ درصد پاسخگویان معتقد بودند که این کمکها در بالا رفتن سطح زندگی اکثریت مردم ایران مؤثر بوده است.<sup>۴۰</sup>

در این دوره، از ۶۶ هزار روستای ایران، نزدیک به ۶۳ هزار روستا فاقد راه ارتباطی و آب لوله‌کشی بودند. علاوه بر آن، افزایش واردات کالاهای خارجی، انگیزه هرگونه تلاش برای تولید بیشتر محصولات داخلی که قسمت مهمی از آن بر دوش روستاها بود را از بین برد. بنابراین، امکان ماندن در روستاها برای تعداد قابل توجهی از روستاییان بی‌بهره از حداقل امکانات رفاهی، ارتباطی، خدماتی و بهداشتی میسر نبود؛ در نتیجه، جمعیت روستاها هر روز کمتر شد و در عوض بر جمعیت شهرهای بزرگ، بویژه شهر تهران، افزوده شد.<sup>۴۱</sup>

علی ایحال علاوه بر آن چه گذشت، از دیگر اقدامات هدفمند رژیم پهلوی که منجر به بحران هویت فرهنگی و دینی، خدشه‌دار شدن عزت و استقلال ایران، تعمیق فقر و وابستگی به بیگانه و سرکوب حرکتهای مذهبی شد؛ موارد زیر را می‌توان برشمرد:



۱. برگزاری انتخابات فرمایشی مجلس در سایه حکومت نظامی که بر اساس آن حامیان امریکا و انگلیس روی کار آمدند.
۲. تصویب قراردادهایی با کنسرسیوم و واگذاری نفت جنوب به انحصارهای امریکایی، انگلیسی، هلندی و فرانسوی که بیشترین سهم به انگلستان تعلق داشت. بدین ترتیب قانون ملی شدن صنعت نفت اگرچه به طور رسمی ملغی نشد، اما در عمل پایمال گردید.
۳. اعمال سیاست سرکوب مخالفان توسط رژیم با تکیه بر بیگانگان و امریکا و تأسیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) در سال ۱۳۳۵. اعضای این سازمان مخوف در امریکا و اسرائیل آموزش می‌دیدند و این تشکیلات مهم‌ترین ابزار برای شناسایی، دستگیری و به شهادت رسانیدن مخالفان مسلمان به شمار می‌رفت.
۴. دریافت وام‌های اسارت‌آور از کشورهای اروپایی و امریکا
۵. گشودن دروازه‌های کشور بر روی کالاهای خارجی و ایجاد زمینه برای نابودی تولیدات داخلی، و ترویج روحیه و فرهنگ مصرف‌گرایی در میان مردم.
۶. شرکت در پیمان استعماری و تجاوزکارانه بغداد (سنتو) در سال ۱۳۳۴ هـ ش
۷. تصویب قانون جلب و حمایت سرمایه‌های خارجی در سال ۱۳۳۴ هـ ش
۸. امضاء قرارداد دوجانبه نظامی با امریکا در سال ۱۳۳۷ هـ ش
۹. اتخاذ سیاست حمایت از غرب به رهبری امریکا و توطئه علیه نهضت‌های آزادی‌بخش و جنبش‌های اسلامی.
۱۰. سرکوب حرکت‌های دانشجویی، کارگری و جنبش‌های اجتماعی.
۱۱. محدودسازی آزادی‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در کشور.<sup>۴۲</sup>

### جمع بندی و نتیجه‌گیری

همان‌گونه که در فرضیه مقاله آمد، قیام پانزده خرداد را به دلیل برخورداری از ویژگی‌هایی مانند هدفمندی، ساختارمندی، برخورداری از رهبری، ایدئولوژی، گفت‌وگو و پشتیبانی مردمی که به دنبال اصلاح وضع موجود و پایه‌گذاری وضع مطلوب منطبق با قوانین اسلامی و شریعت بود را می‌توان در زمره جنبش‌های اجتماعی صورت‌بندی نمود. این جنبش متأثر از عملکرد دو دسته از علل و زمینه‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی به وقوع پیوست که ما در این مقاله عمدتاً بر علل و زمینه‌های اجتماعی جنبش تأکید نمودیم، هرچند سایر علل و زمینه‌ها را از نظر دور نداشتیم. وابستگی‌های اقتصادی و اجتماعی، تأسی از الگوهای فرهنگی غربی، اجرای الگوی اقتصادی توسعه برون‌زا و وابسته، بی‌اعتنایی به ارزش‌های دینی و سنن اجتماعی و اجرای



طرح‌های اصلاحی از بالا مانند اصلاحات ارضی، انجمن‌های ایالتی و ولایتی و کاپیتولاسیون منجر به تشدید تضادها و شکاف‌های سیاسی و اجتماعی و تعمیق نارضایتی‌های اجتماعی و شکل‌گیری جنبش ۱۵ خرداد به رهبری امام خمینی شد. در واقع جنبش تاریخی و سرنوشت‌ساز ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ که بنیان و پایه نهضت امام خمینی و وقوع انقلاب اسلامی سال‌های ۵۷-۵۶ است، از یک طرف ریشه در نوسازی و توسعه وابسته جامعه ایران بر اساس الگوهای دولت‌های استعماری و امپریالیستی و ریشه در ستیزهای درونی جامعه دارد که ناشی از تضاد میان استقرار الگوهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی غرب در کشور بدلیل عدم هم‌خوانی و سنخیت با الگوهای مذهبی، سنتی و مستقل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جامعه ایرانی می‌باشد و از طرف دیگر پاسخی است به این اقدامات ضدفرهنگی و دینی رژیم پهلوی. این جنبش با تکامل ۱۵ ساله خود روند نوسازی در کشور بر مبنای الگوهای غربی را متوقف ساخت و تعریف جدیدی از مناسبات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران با غرب ارائه کرد و در این تعریف جدید، مبارزه با الگوهای وابستگی در همه ابعاد موردنظر قرار گرفت.

در مجموع قیام پانزده خرداد را می‌توان نخستین طلوعه ظهور انقلاب، و احیاءکننده نظریه انقلاب برای اسلام تلقی نمود که توانست در سال ۵۷ شالوده رژیم شاهنشاهی را از هم بگسلد...

### پانوشتها

\* جامعه‌شناس و مدرس دانشگاه پیام نور.

- ۱- جلالی‌پور، حمیدرضا، «جامعه‌شناسی جنبش‌های اجتماعی»، مجله دوران امروز، ۷۹/۱/۲۹، بازتاب‌اندیشه ۱۱، ص ۷۹.
- ۲- صبوری، منوچهر (۱۳۸۵) «جامعه‌شناسی سیاسی»، تهران، نشر نی، ص ۸۵.
- ۳- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۳)، «جامعه‌شناسی»، مترجم منوچهر صبوری، نشر نی، چاپ نخست، تهران، ص ۶۷۲.
- ۴- دوناتلا دلاپورتا و ماریو دیانی، «مقدمه‌های بر جنبش‌های اجتماعی»، ترجمه محمدتقی دلفروز، نشر کویر، تهران، ۱۳۸۳، ص ۳۳.
- ۵- گیدنز، ۱۳۷۳: صص ۶۷۵-۶۷۴؛ همچنین بنگرید به: <http://drdaeezadeh.blogfa.com/post-12.aspx> دلاپورتا، و دیانی، ۱۳۸۳: صص ۱۲۹-۱۲۸. برای مطالعه بیشتر در زمینه جنبش‌های اجتماعی رجوع شود به: انریک لارنا و دیگران، جنبش‌های نوین اجتماعی، مترجمان سیدمحمد کمال سروریان و علی صبحدل، پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، ۱۳۸۷.
- ۶- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۱) «درآمدی نظری بر جنبش‌های اجتماعی»، پژوهشکده امام خمینی، تهران، صص ۱۱-۱۰.
- 7- Touraine, Alain. (1985) "An Introduction to the study of social Movements" Social Research, 52, p 29.
- ۸- روشه، گی (۱۳۶۶)، «تغییرات اجتماعی»، ترجمه منصور وثوقی، نشر نی، تهران، چاپ اول، ص ۱۶۷.
- ۹- رک: تد رابرت گر، (۱۳۸۸)، چرا انسان‌ها شورش می‌کنند، ترجمه علی مرشدی‌زاده، پژوهشکده مطالعات راهبردی. 10- <http://aminmahmoudinia.persianblog.ir/post2i>.
- ۱۱- تاج‌دینی، علی، (۱۳۷۴)، «انقلاب اسلامی از دیدگاه شهید مطهری»، چاپ دوم، شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی، تهران.

۱۲- تاریخ معاصر ایران از دیدگاه امام خمینی، «تبیان»، آثار موضوعی، دفتر بیستم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، ۱۳۷۸، ص ۳۵۸.

۱۳- <http://rasekhoon.net/article/show/195747>؛ به نقل از نشریه ۱۵ خرداد شماره ۲۳.

۱۴- بنگرید به: تاریخ معاصر ایران از دیدگاه امام خمینی - تهران، ۱۳۷۸؛ مجله تاریخ معاصر ایران، شماره ۱۷؛ مروی، ابوالفضل، مجله پانزده خرداد، بهار ۱۳۸۶؛ شم ۱۱.

۱۵- مدنی، سیدجلال‌الدین، «تاریخ سیاسی معاصر ایران»، ج اول، تهران ۱۳۷۳، ص ۲۸۶.

۱۶- بنگرید به: خلجی، عباس، مجله حضور، بهار ۱۳۸۰.

۱۷- علی بابایی، غلامرضا، «فرهنگ علوم سیاسی»، چاپ دوم، شرکت نشر و پخش ویس، ج دوم، تهران، ۱۳۶۹، ص ۶۲.

۱۸- محمدی، منوچهر، «تحلیلی بر انقلاب اسلامی»، امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۰، ص ۶۹۲.

۱۹- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا، «انقلاب ایران به روایت رادیو بی بی سی»، تهران، ۱۳۷۸، ص ۱۱۵.

۲۰- صحیفه نور، ج ۱: ص ۸۰.

۲۱- صحیفه نور، ج یک: ۱۹ و ۴۹؛ همچنین بنگرید به: <http://www.hawzah.net/fa/article/articleview/5049>

۲۲- صحیفه نور، ج اول: ص ۱۵.

۲۳- صحیفه نور، ج اول: ص ۴۳.

۲۴- همان، ج اول: ص ۴۱.

۲۵- اسناد انقلاب اسلامی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ج ۱، صص ۵۰-۲۵ و ج ۵، صص ۳۰-۱۷.

۲۶- برزین، سعید (۱۳۷۴)، «زندگینامه سیاسی مهدی بازرگان»، تهران: نشر مرکز، صص ۱۵۱-۱۵۰.

۲۷- صحیفه نور، جلد اول: ص ۱۳۴.

۲۸- کاتوزیان، محمدعلی، «اقتصاد سیاسی ایران»، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، نشر مرکز، تهران، ۱۳۷۳، ص ۱۳۲.

۲۹- مدنی، ج اول: صص ۳۵۴-۳۵۳؛ دهنوی (۱۳۸۶)، «قیام خونین ۱۵ خرداد به روایت اسناد»، تهران صص ۱۲-۱۱؛ قادری، حاتم، «تحلیلی از انقلاب اسلامی ایران»، تهران، ۱۳۸۲، صص ۱۱-۱۰.

۳۰- لاکس، ویلیام و کاتم، ریچارد (۱۳۶۳)، «ایالات متحده، ایران و جنگ سرد»، ترجمه محمدعلی آتش برگ، نشر بین‌الملل، تهران، ۱۳۶۳، ص ۲۳۵.

۳۱- مروی، ابوالفضل، مجله ۱۵ خرداد، شم ۱۱، ص ۹۵.

۳۲- متن نامه حسن ارسنجانی، وزیر کشاورزی وقت و مجری اصلاحات ارضی به آیت‌الله سیدمحمدرضا گلپایگانی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ج ۱: ص ۱۹.

۳۳- جوابیه آیت‌الله حکیم به پرسش‌های مسلمین در مورد اصلاحات ارضی، همان، ج ۱: ص ۲۴.

۳۴- مجله حوزه، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۰، شم ۴۳ و ۴۴. سلطانی طباطبائی: صص ۵۱-۵۰؛ فاضل موحدی لنکرانی: صص ۱۵۴؛ لبنانی: ص ۱۸۴.

۳۵- مدنی، ج اول: صص ۳۵۴ - ۳۵۳؛ دهنوی ۱۳۸۶: صص ۱۲ - ۱۱؛ حاتم قادری: صص ۱۱ - ۱۰.

۳۶- صحیفه نور، ج اول: ص ۵۳.

۳۷- صحیفه نور، ج اول: صص ۵۲-۵۰؛ همچنین بنگرید به اسناد انقلاب اسلامی، ج ۱: صص ۷۱-۵۷، ج ۵، صص ۳۲-۳۱ و روحبخش، <http://www.encyclopaediaislamica.com/madkhal2.php?sid=264/>

۳۸- کاتوزیان، ۱۳۷۳: صص ۹۰-۷۸.

۳۹- همان، ص ۹۰.

۴۰- آبراهامیان، ۱۳۷۷: «ایران بین دو انقلاب: درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران معاصر»، ترجمه احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی، نشر نی، تهران، ص ۱۱۵.

۴۱- همان، صص: ۱۱۷- ۱۱۵.

۴۲- <http://www.aviny.com/News/84/03/09/05.aspx>؛ به نقل از: نشریه مبلغان، شماره ۴۲، ۱۳۸۹.